



قایق سواری ایستاده در کنار شکوفه های گیلاس در ژاپن عکس از خبرگزاری فرانسه



شیطنت بچه شیرها در پارک طبیعی کنیا عکس از گاردین



شکار لحظه عبور یک هواپیمای آلمانی از روی ماه عکس از رویترز

دنیانه روایت تصویر

- در محضر بزرگان

چرا هیچ گناهی را نباید کوچک شمرد؟

حجت الاسلام قرائتی درباره عاقبت کوچک شمردن گناهان نوشته‌اند:

«کوچک شمردن گناه، آن را به گناه بزرگ تبدیل می‌کند، همان‌طور که اگر کسی سنگی به سوی ما پرتاب کند، ولی بعد پشیمان شود و عذرخواهی کند، ممکن است او را ببخشیم، ولی اگر سنگ ریزه‌ای به ما بزند و در مقابل اعتراض بگوید: «این که چیزی نیست، بی خیالش، او را نمی‌بخشیم، زیرا این کار، از روح استکباری او پرده می‌دارد و بیانگر آن است که او گناهش را کوچک می‌شمرد.»

برگرفته از کتاب «گناه شناسی»

- فتوشعر



- سفرنامه

زبان فارسی از نظریک پزشک غربی

دکتر جان دلشارد، پزشکی آمریکایی است که قرن نوزدهم میلادی به ایران سفر کرد. او در جریان سفرش به ایران و اقامتی که در این جا داشته درباره زبان فارسی نوشته: فارسی را زبان فرانسه شرق می‌شناسند. در ادب و شعر بسیار غنی است و در شیوه‌های سیاستمدارانه نیز کاربرد دارد و مهم‌تر از همه در گوش غربی‌ها بد آهنگ نیست. بعضی اصطلاحات و جملاتی که در نظر ایرانیان خیلی محترمانه است و بسیار هم به کار می‌رود، نمی‌توان به انگلیسی ترجمه کرد. مثلاً پیش خدمتی که برای انجام کاری به خانه مجاور می‌رود، هرگز نمی‌پرسد: «آیا آقای فلانی خانه هست؟ بلکه مودبانه سوال می‌کند: «آیا جناب آقای فلانی تشریف دارند؟» در صحبت کردن با نوکرها ادای کلمات و جملات فرق می‌کند، حتی خود کلمات عوض می‌شود.

مثلاً از نوکری می‌پرسند: «دماغت چاق است؟»، یعنی این‌که آیا حالش خوب است؟ در عین حال او می‌فهمد که با ادب و مهربانی با او رفتار شده است. از طرف دیگر در برخورد با یک مقام بالای دولتی شیوه تکلم باز هم فرق می‌کند، باید گفت: «ان شاء... وجود مبارک جناب عالی در کمال صحت و عافیت باشد.» و معمولاً جواب چنین است: «البته، به علت دیدار شما خوب هستیم.»

برگرفته از کتاب «سفرنامه بیست سال در ایران»

- ریشه ضرب‌المثل

گرگ باران دیده

این ترکیب وصفی که اکنون به صورت ضرب المثل درآمد، کنایه از افراد مجرب و آزموده است که گرم و سرد روزگار را چشیده اند. دهخدا درباره ریشه این ضرب المثل معتقد است که: «گرگ بچه از باران می‌ترسد و در وقت باران از سوراخ خود بیرون نمی‌آید هر چند گرسنه و تشنه باشد، اما چون گرگی بیرون خانه خود باشد و از اتفاقات، او را باران درگیرد و ببیند از او آفتی و ضرری نمی‌رسد بار دیگر دلیر می‌شود و از باران خائف نمی‌گردد.»

ولی از همه این‌ها محتمل‌تر «گرگ بالان دیده» است که در این جا معنی لغوی «بالان»، دام و تله است . یعنی گرگی که یک بار در تله افتاده باشد یا از دام و کمین شکارچی رسته باشد تجربه ای گران بها دارد و دیگر گرفتار نخواهد شد.

- فتونکته



- اندک، صبر

خاکی یا آسمانی؟

کاش تمام پیکرم ذره ای غبار شود

لب پنجره بنشینم

بادی بیاید و مرا ببرد

یا به دل آسمان

یا به در خانه تو

یا خاکی خاکی شوم

یا آبی آسمانی

نیکو فیروز کرمی

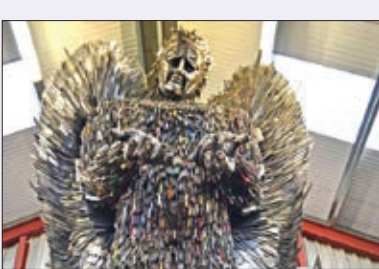
- دور دنیا

باشکوه ترین کیک عروسی در دنیا!



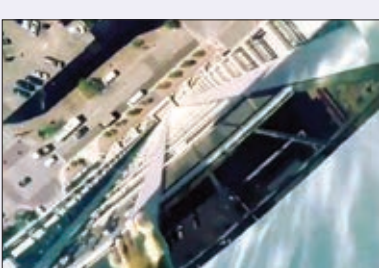
صورتی که تمام جزئیات این قصرها از قبیل بالکن و پنجره ها در ماهرانه ترین و استادانه ترین شکل ممکن طراحی شده است. آن ها به تازگی کیک عروسی هفت متری را طراحی کرده اند که به طرز خیره کننده ای دقیقاً مانند یک قلعه افسانه ای زیباست.

مجسمه ساخته شده از چاقو!



هزار چاقو ساخته است. او در این اقدام انتقادی از دولت خواسته است تا فکری برای کاهش جرم و جنایت بکند. پلیس انگلیس بلافاصله بعد از رونمایی از این مجسمه برای جلوگیری از خطرات احتمالی، آن را مصادره کرد.

ترسناک ترین استخر جهان!



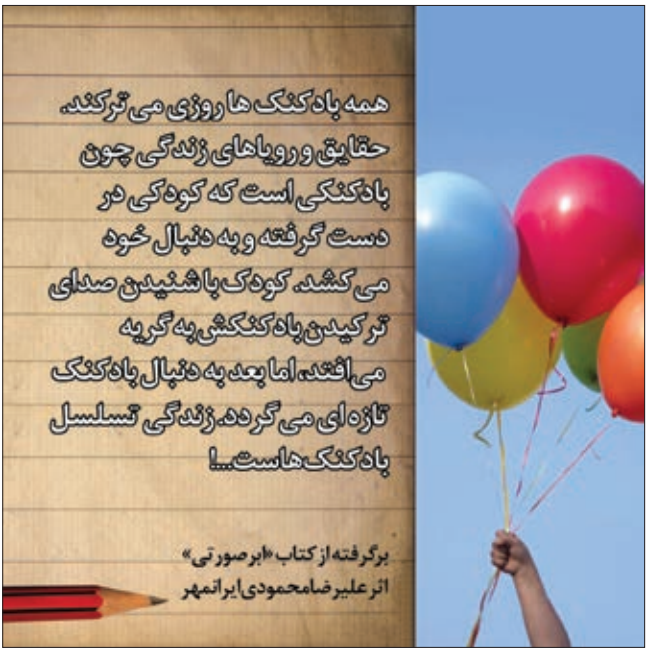
چهل و دوم ساختمانی در هوستون آمریکا در ارتفاع ۱۵۰ متری قرار دارد که کف شیشه ای، به عنوان یکی از ترسناک ترین منظره ها روی یکی از شلوغ ترین خیابان های این شهر است!
تصورش را بکنید که در ارتفاع ۱۵۰ متری روی یک کف شیشه ای در حال شنا کردن باشید! مسلماً ترسناک است!

دختری با روحیه فولادین



خودش شرمسار باشد به راحتی به مدرسه برود. این دختر هفت ساله برای این که همچنان بدون مو زیبا به نظر برسد، سرش را تزیین کرد. حالا به خاطر روحیه و اعتماد به نفس بالاایش به یکی از محبوب ترین دختران کشورش تبدیل شده است.

- بریده کتاب



آپشن‌های خاص یک نان سنگکی!

✳ گوگل هر روز پیغام میده ۴۸ اپلیکیشن شما نیاز به آپدیت دارد، آخر مدیرعاملش میاد گوشیم رو می‌گیره و میگه مگه با تو نیستم؟ گوشی رو تو سرم خرد می‌کنه!

✳ به اون بره‌های از بهار رسیدیم که تو گرمای ظهیر به کاپشنکی همراهه و چون حال نداری یا دست حملش کنی، مجبوری ببوشیش و از درون بیزی.

✳ زمان چیزی رو حل نمی‌کنه، فقط نتشبین می‌کنه. بی‌جا حواست نباشه تکتون بخوره، باز میاد بالا.

✳ وقتی «منطقه پرواز ممنوع» می‌شنوم یاد وقت هایی می‌افتم که مامان تو خونه سبزی خشک می‌کرد. از ده متری شون رد می‌شدی مرده بودی.

✳ کی باورش می‌شد چغاله بادوم با این اسمش یه روزی به گروه کالاهای خوراکی لوکس و خیلی گرون ببیونده؟!

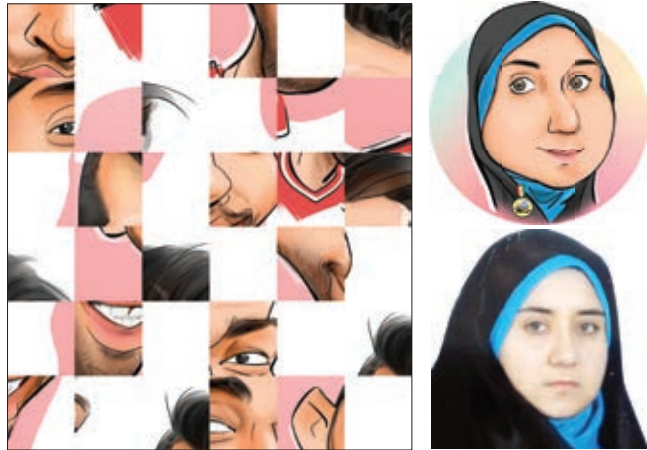
✳ دوران ابتدایی تو مدرسه ما هر کی خط کش اش بلندتر بود، شاخ تر بود!

✳ بهار برای من این طوریه که هر کاری دارم باید تا وقتی بیدارم انجام بدم چون اگر بخوام دیگه معلوم نمی‌کنه کی بیدار شم!

این کیه؟

مسابقه شماره ۲۹

قبل از این که چهره کاریکاتور این هفته را حدس بزنید، یک درخواست ازتون داریم. همان طور که هفته پیش دیدید و این هفته می‌بینید، تکه های پازل مون از ۱۶ تکه به ۳۶ تکه افزایش پیدا کرده. مهم ترین دلیلش هم در خواست خودتون بود که مسابقه رو سخت تر کنید. لطفاً نظرتون رو در باره این اتفاق بنویسید و به ما بگید که با این افزایش تکه های پازل و سخت تر شدن مسابقه موافقید یا مخالف. حالا که نظرتون رو فرستادید، دست به کار شوید و چهره کاریکاتوری این آدم معروف رو تشخیص بدین. همان طور که می‌دونید روال مسابقه این جوریه که شما باید تشخیص بدین کاریکاتور به هم ریخته چاپ شده کیه و اسمش رو تا ساعت ۲۳ فردا پنج شنبه برای ما به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ پیامک کنید. جواب رو شنبه همین جا می‌بینید. بین کسانی که جواب رو درست بفرستن، قرعه کشی می‌کنیم تا یک نفر به عنوان برنده معلوم بشه. عکس و کاریکاتور برنده رو چهارشنبه هفته دیگه و با مسابقه بعدی، می‌تونید همین جا ببینید. عکس و کاریکاتوری هم که این بغل می‌بینید، خانم شکوفه کرانی، از نیشابور برنده مسابقه هفته پیش هستن. پس تا شنبه منتظر جواب این کاریکاتور باشید و ما هم منتظر نظر شما در باره اون ماجراییه که ازتون خواسته بودیم!



- داستانک

هنوز نگفتم چه جوری میگی دروغه!

دو نفر با هم حرف می‌زدند. ناگهان یکی از آن دو که بی‌وقته حرف می‌زد و تقریباً اجازه حرف زدن به دیگری نمی‌داد، گفت: «و حالا باید برایت بگویم که دیروز چه چیزهایی از دهان همسایهات درباره تو شنیدم.» دوستش گفت: «این دروغ است!.. فرد پر حرف تعجب کرد و با ناراحتی گفت: «وا، من که هنوز چیزی نگفتم، چطور ادعا می‌کنی که من دروغ می‌گویم؟!» دوستش جواب داد: «من اصلاً نمی‌توانم فکر کنم تو چیزی شنیده باشی، برای این که به هیچ فردی اجازه حرف زدن ندی نمی‌دهی.»

منبع : سایت بکی بود

- افسانه نوین

دیوانه دانا و وزیر نادان

در زمان‌های قدیم پادشاهی از مسیری می‌گذشت. (نمی‌دانیم چه سری است که در همه حکایت‌های قدیمی پادشاهان دایم مشغول گذشتن از مسیری هستند؟ این قدر که به فکر گشت و گذار بودند، پس کی به کارهای مملکت می‌رسیدند؟!‌) در بین راه چشمش به مردی ژنده‌پوش افتاد که با الاغش صحبت می‌کرد.

پادشاه فکر کرد مرد شیرین عقل است و چون از بیکاری حوصله‌اش سر رفته بود، به اطرافیان گفت بایستیم تا با این مرد خل‌وضع مزاح کنیم. پادشاه از اسب پیاده شد و رو به مرد ژنده‌پوش افزود: «چه می‌کنی ای مرد ژنده‌پوش؟» مرد ژنده‌پوش در جواب پادشاه افزود: «دارم به خرم حرف زدن یاد میدم.» پادشاه خنده‌اش گرفت و افزود: «ای دیوانه، مگر الاغ هم حرف زدن می‌آموزد؟» مرد ژنده‌پوش افزود: «معلومه که می‌آموزد!» وزیر که می‌خواست نان خامه‌ای بازی در بیاورد و خودش را جلوی پادشاه شیرین کند، افزود: «به جای این کار، تو از الاغ سکوت بیاموز که بیشتر به دردت می‌خورد.» مرد ژنده‌پوش شکلی رو به وزیر درآورد و افزود: «یه به یه... حالا ببین!» سپس رو به الاغ کرد و افزود: «به عمو سلام کن عزیزم!» پادشاه و لشکریان از این صحبت خنده‌شان گرفت و شروع کردند به قاه قاه خندیدن. در بین خنده‌های‌شان ناگهان الاغ دهان باز کرد و افزود: «سلام عمو! خوبی؟» همه شو‌ک‌زده ساکت شدند.

پادشاه که از تعجب چشم‌هایش داشت از کاسه بیرون می‌پرید رو به وزیر افزود: «فورا لباس وزارت را در بیاور و به این مرد بده و خودت برو کم شو!» چطور وزیری هستی که نمی‌دانی الاغ‌ها هم حرف زدن می‌آموزند؟» مرد ژنده‌پوش لباس‌های وزیر را پوشید و سوار اسبش شد و در حالی‌که از صحنه خارج می‌شد باز به وزیر ادا درآورد. وزیر که با یک لا پیژامه و زیرپوش هم کف کرده و هم لکش درآمده بود، افسار الاغ را گرفت و تا خواست راه بیفتد دید یک گرامافون از زیر شکم الاغ به زمین افتاد. همان جا شست اش خبردار شد که مرد صدای ضبط شده پخش کرده بود و با این کلک مقامش را از دستش گرفته بود. همان جا فهمید نتیجه خودشیرین کردن همین است! عکساندر کاربراتور

- نیازطنزی‌ها



متن : علیرضا کاردار

ماوشما

✳ در صفحه اول زندگی سلام در تاریخ ۲۱فروردین برای همه پدران نوشتید الا پدران کارگر.

✳ سلام، خواستم از همه زحمت کش های زندگی سلام تشکر کنم. واقعا مطالبتون عالیه.

✳ سلام به همه بچه های زندگی سلام. شما عالی هستید.

✳ فقط این که صفحه چهارتون خیلی خنکه. اردلان از تو جان

✳ برای پدرهایی که کارگر یا بیکار هستند، به نظر شما چه هدیه ای خوب است؟ نفس تان از جای گرم بلند می‌شه!

✳ بابا ناصر خویم، بابت زحماتی که همیشه برای من می‌کنشی سپاسگزارم. روزت مبارک.

✳ می‌خواستم از همسر عزیزم که برام بهترین همدرده و تو خوشی و ناخوشی همراهه، تشکر کنم. نازنینم دوست دارم.

✳ مثل شمع می‌سوزی و خبر از پروانه نیست، شرمسارم که هنوز پله‌ای ابریشمم و نمی‌توانم...

پاسخ خفن استرپب:

کمرویی، گیربکس و چراغ گردسوز

